

نگاه

مروری بر دفتر شعر «دیکنه اقلیت»

اعترافی که سهم نوست

● موسسه انتشارات نگاه که در این سال‌ها دفترها و مجموعه شعرهای متعددی را به چاپ رسانده، مدتی است که مجموعه‌ای دیگر به نام «نگاه تازه شعر» را در دست چاپ دارد که تاکنون چند دفتر از این مجموعه منتشر شده است. به‌تازگی شماره نوزدهم این مجموعه با نام «دیکنه اقلیت» که شامل شعرهای پوریا سوری است منتشر شده. علیرضا ربیسانبایی، مدیر نشر نگاه، در ابتدای کتاب توضیحی درباره انتشار مجموعه «نگاه تازه شعر» داده و در بخشی از آن نوشته: «موسسه انتشارات نگاه که- از آغاز فعالیت خود به جوانان و مجموعه‌سازی توجهی ویژه داشته و بسیاری کارها از جمله آثار و زندگی نقاشان بزرگ، آثار فلسفی، آثار ادبی و مجموعه شعر شاعران بزرگ ایران را در کارنامه خود دارد، این بار دریچه‌ای به روی نسل جوان گشود تا میدانی برای عرضه‌داشتن کار خود داشته باشند. اگرچه مسیرهای متعددی برای گزینش هر مجموعه شعر وجود داشته و دارد، اما اگر مجموعه اثری قدر و جایگاهی داشته‌باشد، بی‌تردید این موسسه آمادگی نشر آن را دارد. امیدواریم که شعر نسل جوان ایران که در راه بالندگی است، بتواند پای در راه بزرگان شعر معاصر پارسی نهد و بزرگان آینده از میان همین بارقه‌ها امکان ظهور و وجود بیابند.» اما «دیکنه اقلیت»، شامل دو دفتر با نام‌های «درهای موسمی» و «خواب سنجاق مرده» است که هر دو شامل شعرهای سپید هستند. عناوین دفتر «درهای موسمی» عبارتند از:

شب، حکومت نظامی، وطنم، روزنامه‌نگاران، شنه، اعترافی که سهم نوست، قطعه، کیش و مات، هر روز بارانی، برف‌نوی، آزادی، خود کشی، هجاهای منقطع، درهای موسمی، استعاره باد می‌وزد، می‌تواند، بغض یا طناب، تخته‌خاطر روح، به مرده‌ها بر نخورد، شعر مرده است، حسرت، سرباز، سبیلورهای من، زیر سقف، مزرعه خانوادگی، خسرو گل‌سرخ، می‌خواهیم و فرجام. همان‌طور که از عناوین این شعرها هم برمی‌آید، شعرهای دفتر «درهای موسمی» غالباً درونمایه‌ای اجتماعی و سیاسی دارند و مثلا در شعر اعترافی که سهم نوست آمده است:



دیکنه اقلیت

پوریا سوری

نشر نگاه

چاپ اول ۱۳۹۲

«خطوط میله‌ها از امروز جدایت کرده پشت به بارن‌ها نشستهای و بر دیوار پنجرهای می‌کشی... تا خورشید بالا بیاید تمام زندگی را هر آنچه در این فضای سبهدی در اتفاق‌های بعدی راهروی که به آن ختم می‌شود در فریادهایی که کسی نخواهد شنید در ضرباتی که می‌زند-ضربانی که می‌زند تندتر- همه را برابر آفتاب قمار کرده‌ای و سهپات امروز تنها چراغی است که در تاریکی نکان می‌خورد و صدایی که به تجوا با نعره خطالت می‌کند:نبوبس!»

«خواب سنجاقک مرده» شامل شعرهایی با این عناوین است: اسراری در من، طرف سایه، قلب من، قسمت مرگ، خواب سنجاقک مرده، یک شب برفی، عبور، پروانه‌گی، خواب، عطر تو، یا تو بویی، گفت‌گو، شکار، پشت سد، نامه آخر، قسار، در کافه، بوی باران، ارمنستان، نزدیک غروب، کدام، گناه درختی، این منم، دجاری، تالش سیاه، گیسو، نوار موهای تو، جدایی، گیاهی که منم، سرود من، گیلاس‌ها را بباور، اعترافات، ایده‌آلیست، ساعت طلایی و ایلی در من است. شعرهای این دفتر غالباً مضمونی عاشقانه دارند و در شعر «قرا» از این دفتر می‌خوانیم:

«ارتفاع میز مهم نبود سطح مربع‌ای نیز حتی فرقی نمی‌کرد پایه‌هایش لق باشد یا صندلی‌هایش تلقی شاعرانه‌ای از قرار در کلافه‌ای دنج نباشد حتی زیر سیگاری که هی پر و خالی شد فانجنار تارپک قهوه من هم دیگر حتی مهم نبودم وقتی تو نیامدی!»

همچنین در شعری دیگر از این دفتر با عنوان «حسرت طلایی» می‌خوانیم:

«از سمسارای ساعتی خریدم/ام از همان‌ها که در زمان‌های دهه سی و چهل زنگ می‌زند/همان‌ها که در سال‌های نگاتیو سیاه و سفید، طلایی‌بود/وقتی بیچ زنگش را تسکان می‌دهم/ صدای کش‌آهن فنر کبفرم می‌کند/ می‌گذارمش کنار چقق پربریزرگ/ استکان کمرباریک پدر/ باقه گیسوی مادر/ یک مشت تیله هم از چال کودکی‌هایم/ ول می‌دهم میان آنها/مل می‌خواهد چکمه‌های لاستیکی را هم... -مادر می‌گوید آنها را بیسرون در ها کنم- نوک‌مدمادر را می‌تراشیم و دفتر مشق را -مادر می‌گوید: بیا کنارم بخواب- خواب نمی‌آید اما دوست دارم بازدم گرم نفس مادر را/ فریکشم داخل سینمام/ چشماتم سنگین می‌شود/خواب پس از ظهر برایم پر از ترس است/ می‌ترسم بیدار شوم- ساعت از پنج گذشته باشد/ برنامه کودک گذشته باشد/ همه چیز گذشته باشد/ مادر نباشد... /بزرگ شده باشم»



نادر شهریوری(مدققی)

رویای تبت نوشته فریبا وفی روایتی از عشق و سکوت است و علاوه بر آن سقوط ارزش‌های کلی را در شلمگاهان یا به تعبیر نیچه در غروب بت‌ها روایت می‌کند. نویسنده این دو مضمون مه‌م را به‌موازات هم در رمان خود به نمایش درمی‌آورد.

«مرد آرام عاشق سکوت بود، شیوه حرف‌زدنش بود، برای این سکوت نمی‌کرد تا چیزی یادش بیاید. سکوتش وقفه معمولی یا مکتب بین دو حرف نبود خود حرف بود»

«سکوت» تم اصلی رویای تبت است و همچون موسیقی متن کل داستان را تحت‌تاثیر خود قرار می‌دهد. عشق و سکوت رابطه‌ای دیرینه دارند. عشق در سکوت بهتر ادامه می‌یابد، بهتر خود را پنهان می‌کند و با تفسیر رفتارها و نشانه‌های طرف مقابل مکالمه‌ای تمام‌نشدنی را بهتر ادامه می‌دهد. رویای تبت نوشته فریبا وفی از زبان شعله- یکی از شخصیت‌های اصلی- روایت می‌شود. شعله اگرچه بیشتر روایت‌های خود را خطاب به خواهرش شیوا بیان می‌کند اما روایتش در عین حال زندگی خود، خواهرش، جاوید، شوهر-خواهرش و صادق را هم دربرمی‌گیرد. تا قبل از این شیوا همراه با جاوید و صادق به‌خاطر فعالیت‌هایی به زندان می‌افتند. شیوا و جاوید زودتر آزاد می‌شوند. صادق چندسالی در زندان می‌ماند. او که شخصیتی کاریزما و آرام دارد با همدلی و فداکاری‌ای که سرمشقش شده محور داستان قرار می‌گیرد. هر تجربه غیرسودجویانه با دو عنصر «سکوت» و «خاطره» امکان ارتقا و تداوم بیشتری می‌یابد. در این میانه عشق به‌عنوان شخصی‌ترین تجربه غیرسودجویانه با اتکا به این دو عنصر در همان حال تداوم خود را حفظ می‌کند. خاطره در عشق نقش یادآوری و به بیانی دیگر «فراموش‌نکردن» را برعهده می‌گیرد، به همین دلیل هیچ عشقی از خاطره عاشق زوده نمی‌شود. در عین حال عشق در سکوت حاوی عنصر نقادی است، عاشق دایما خود را نقد می‌کند و رفتارهای خود را مورد بازبینی مدام قرار می‌دهد، در مورد آنها مکت می‌کند و آنها را مورد تامل قرار می‌دهد. اساسا تجربه‌های شخصی چنانچه بخوانند در سطحی نازل باقی نمانند باید امکانات نقد

درنگی بر داستان «وامق و عذرا»

در جست‌وجوی یار نادیده

محمد صادقی

وامق، بزرگ‌زاده خوش‌سیماء، که به‌دلیل سختگیری پدرش اجازه خروج از قصر را ندارد، پُرمرده و افسرده شده و وقتی از وضع خویش گلایه می‌کند بالاخره اجازه می‌یابد همراه با خمتکاراتی که مورد اعتماد شاه هستند راهی باغی سرسبز و زیبا همچون بهشت شود. جوان در این باغ روزها و شب‌های خوشی را سپری کرده و ه‌رشب افسانه‌سرایان را فرا می‌خوانده و به داستان‌های شیرین و عاشقانه گوش می‌سپرده است. شنیدن داستان‌های عاشقانه، موجب می‌شود که او نیز مایل به گرفتارشدن در تجربه‌ای عاشقانه شود. راز دل می‌گشاید و هرکس از سروقامتی نزد او سخن می‌گوید اما هیچ‌کدام نظر این جوان را جلب نمی‌کند تا اینکه شبی در خواب ستارهای درخشان می‌بیند که از آسمان به زمین آمده و بر گرد او می‌چرخد. جوان وقتی از خواب برمی‌خیزد، از این‌رویا با هم‌راهان خود سخن می‌گوید. هرکس تعبیر خودش را مطرح می‌کند. سرانجام خواب‌گزاری را یافته و نزد او می‌آورند. او به پسر جوان مرده می‌دهد که دبدن ستاره در خواب، اشاره به دختری است و دبدین آسمان هم نشانه این است که پدر آن دختر، پادشاه است. پس از این تعبیر شامان و بی‌تاب می‌شود. دوستان و همراهانش که او را سخت ناالان و گرفتار می‌بینند، یکی را از میان خود (شیدا) انتخاب می‌کنند تا به جست‌وجوی یار نادیده بشتابند! شیدا که نمی‌دانسته به کدام سو باید بشتابد، تقالی زده، به‌سوی شهری حرکت می‌کند و گرفتار دزدان می‌شود. ولی سرانجام و با همدستی طبیعی به نام هدایت از چنگ دزدان می‌گریزد. در سویی دیگر هم دختر زیباروی یکی از پادشاهان کیانی که عاشقان فراوانی داشته و هیچ‌یک را درخور همسری خود نمی‌دیده



شده و سرانجام در جنگ کشته می‌شود. داستان (مثنوی) وامق و عذرا یکی از زیباترین عاشقانه‌های شعر و ادب کهنسال ایران است. این داستان در حدود قرن ۱۰-۹ هجری قمری توسط «قتیلی بخارایی» و در پنج‌هزار و ۵۷۳ بیت سروده شده و اکنون با تصحیح پوراندخت برومند و مهرانگیز ریاحی (نشر گیسو، ۱۳۹۲) منتشر شده است. داستان وامق و عذرا، داستانی پرتنش و جذاب است که با محور قراردادن موضوع عشق به دیگر مناسبات انسانی هم پرداخته است که جای بسی اندیشیدن دارد.

زیر پوست شهر

«واژه‌ها به همین منوال» عنوان مجموعه‌ای است شامل ۴۹ شعر از ابوالفضل پاشا، همراه با مقاله‌ای از شاعر، با عنوان «لحظه‌هایی پر از نود سال» که گفتاری است در خصوص زیبایی‌شناسی شعر آوانگار دهه ۹۰. ابوالفضل پاشا در این مقاله به مقایسه شعر دهه ۹۰ با شعر دهه ۷۰ پرداخته و وجه تمایز آنها را نشان داده است. در بخشی از این مقاله می‌خوانیم: «ما در دهه ۷۰ جنا از استعاره به چیزهایی از اشیا و حالت‌ها و کنش‌ها دقت می‌کردیم که شاید چندان هم‌ذاتی آنها نبود بلکه به آن اشیا و حالت‌ها و کنش‌ها نسبت داده می‌شد، اما شاعر دهه ۹۰ به خود آنها دقت می‌کند، یعنی آنها را بدون حجاب و بدون فاصله می‌بیند. در شعرهایی

کتاب

شکل‌های زندگی: رابطه میان عشق و سکوت

دیگر ارزشی وجود ندارد



است اما این همدلی تا آنجاست که راز عشق از پرده برون نیفتد. اساسا تمامی ویژگی عشق در وعده‌ای است که در آن نهفته شده، این وعده تا مادامی که وعده است به‌شارت‌دهنده است و آدمی را افسون پیچیدگی‌های خود می‌کند و او را لحظه‌به‌لحظه با خود همراه می‌کند، عشق تا مادامی که مسکوت است و به انجام نمی‌رسد می‌تواند تا ابد ادامه یابد زیرا عشق با زمان مستقیما کاری ندارد و اصلا آن را حس نمی‌کند.

درونمایه داستان رویای تبت «عشق» است و اوج داستان که فرود آن نیز است هنگامی است که راز ماجرا آشکار می‌شود و این آشکاری دیگر بازی در آن چارچوب را ناممکن می‌سازد و به‌این‌سان همدلی عشق و سکوت پایان می‌پذیرد. «شعله در ضیافتی که به‌مناسبت تدویع سفر صادق برپا می‌شود متوجه علاقه شیوا (خواهرش) نیز به این مرد می‌شود. صادق گفته است که می‌خواهد به تبت برود. شیوا ناگهان و به حال

غیرعادی به گریه می‌افتد و در حضور دیگران (شوهر، خواهر، مادرش) اعلام می‌دارد که او نیز می‌خواهد به تبت برود و در نتیجه راز او و راز داستان فاش می‌شود.»^۲ با فاش‌شدن راز عشق اوج آن همچنان‌که گفته شد فرود آن نیز می‌شود اما این تمام ماجرا نیست. سرنوشت جاوید و صادق بخش دیگری از این رمان است، این دو که در آغاز کار به دگرگونی کلی جامعه باور داشتند به‌تدریج از این موقعیت فرافردی به موقعیتی شخصی تغییر جهت می‌دهند و درگیر همان روزمرهای می‌شوند که زمانی آن را نقد کرده و برنمی‌تافتند. این روزمرگی با توجه به کاراکتر شخصی صادق و جاوید البته متفاوت است. جاوید که شصم واقع‌بینی دارد، واقع‌بین‌تر از آن است که جز به ثروت‌اندوزی به چیز دیگری فکر کند، او چنان غرق در کارش می‌شود که به چیز دیگری اصلا فکر نمی‌کند. او در شرایط جدید پیش‌آمده تازه می‌فهمد که چطور می‌توان زندگی کرد. «جاوید می‌گفت: تازه می‌فهمم چه‌جوری باید زندگی کرد. همیشه می‌فتمت غذا را بخوریم خلاص بشویم و بریم سر کار مهم‌تر حالا می‌فهمم ۴۰ سال تمام به این شکم خیانت کرده‌ام»^۳

در صادق اما وضع کمی فرق می‌کند. به عبارت دیگر در او هنوز چیزی فراتر از واقعیت صرف وجود دارد. او کماکان و هنوز به ایده‌ای باور دارد اما این حقیقت برایش دیگر جنبه‌ای کاملا شخصی دارد، صادق ناامید از هیاهوی بیرون و خسته و ناامید از تغییر کلی در خیال خود به آرامش در درون خود می‌اندیشد و به همین دلیل رویای تبت را در سر می‌پروراند. رویای تبت برای صادق نوید آرمشی بودایی است کمااینکه عشق صادق نویدبخش آرمش برای شیوا و شعله است. درونمایه رویای تبت اگرچه عشق است اما نویسنده در عین حال تغییر جهت از موقعیت‌های فرافردی به موقعیت‌های فردی را در داستان خود به نمایش درمی‌آورد. این موضوع یادآور پیش‌بینی نیچه درباره سقوط ارزش‌های کلی است. از نظر نیچه در شامگاهان که مرکز دوری ارزش‌ها از موقعیتی فرافردی به دوری من‌های هم‌سطح می‌انجامد دیگر هیچ ارزشی وجود ندارد که ارزش ازخودگذشتن داشته باشد. در این شرایط فداکارترین آدم‌های «روای تبت» در پی شخصی‌ترین خواسته‌های خویش رویای تبت را در سر می‌پروراند.

پی‌نوشت‌ها:

۲،۱- رویای تبت، فریبا وفی

۳- رمان ایران، عبدالعلی دستغیب

ارتباط با روزنامه شرق

SHARGHLINE
@SHARGHDAILY.IR

عطف کتاب

روایتی از قصه‌های شیخ اشراق

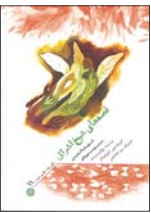
کوزه یازده طبقه

● «... سر برگرداندم و در صحرا کوزهای یازده طبقه دیدم. قدری آب در میان کوزه بود و قدری ریگچه در آب ریخته شده بود. چند جانسور هم گرد کوزه می‌گشتند. از یازده طبقه این کوزه، در به طبقه بالایی دکمه‌ای روشن بود و در طبقه دوم هم چند دکمه روشن دیگر شبیه کلاه‌خودهای مغربی که صوفیان بر سر می‌گذارند، خوندنمایی می‌کردند. در طبقه نخستین کوزه، هیچ دکمه‌ای نبود. این کوزه مثل گسوی، گرد بود و هیچ خفره و شکافی بر آن نبود. این طبقات یازده‌گانه، رنگ نداشتند و هر چه در آنها بود پیدا بود، اما نه طبقه بالایی، دیواره‌هایی سخت داشت، ولی دوطبقه پایین شکننده و سست به نظر می‌رسید.»

آنچه خواندید قسمتی است از بازنویسی امیرحسین خورشیدفر از قصه «آواز پر جبریل» شهاب‌الدین سهروردی بود که در کتاب «قصه‌های شیخ اشراق» از مجموعه «یکی بود، یکی نبود» نشر کتاب پارسه منتشر شده است.

این کتاب، شامل بازنویسی ۱۰ قصه سهروردی است. قصه‌های سهروردی، تمثیلی و رمزگونه‌اند و به‌لحاظ سبک نگارش، غریب و درخور تامل. در این قصه‌ها و سبک نگارش‌شان، امکان‌هایی است که نویسنده امروزی را بسیار به کار می‌آیند. کشف رمز از قصه‌های پیچیده سهروردی آسان نیست چراکه رمزهایی که او در قصه‌هایش تعبیه می‌کند از یکسو ریشه در عرفان و اسطوره و فلسفه دارد و از سوی دیگر ریشه‌دار در تخیل غریب سهروردی است. قصه مرغان، «عقل سرخ» و «روزی با جامعت صوفیان»، از جمله دیگر قصه‌های سهروردی است که در مجموعه قصه‌های شیخ اشراق بازنویسی شدند.

این کتاب، جزئی از مجموعه «یکی بود یکی نبود» است. هدف از این مجموعه، که دبیر آن یوسف علیخانی است، آشنایی خوانندگان غیرمتخصص ادبیات، از گروه‌های سنی مختلف با متون کهن ادبیات فارسی است.



قصه‌های شیخ اشراق

به روایت

امیرحسین خورشیدفر

نشر کتاب پارسه

جناب آقای علیرضا حیدر زاده

انتخاب شایسته شما به عنوان مدیر عامل

گروه صنعتی عالم آرا تبریک و تهنیت عرض می نماییم
و از درگاه خداوند موفقیت روز افزون شما را خواهیمیم.

کیوان عرب

آگهی فراخوان ارزیابی کیفی (۹۲/۶)

خرید و نصب و راه اندازی ۲ دستگاه UPS باتوان ۱۶۰ KVA جهت تامین برق بدون وقفه

ساختمان مرکزی سازمان فناوری اطلاعات



۱- نام کارفرما: سازمان فناوری اطلاعات ایران

۲- موضوع خدمات: خرید و نصب و راه اندازی ۲ دستگاه UPS باتوان ۱۶۰ KVA جهت تامین برق بدون وقفه ساختمان

مرکزی سازمان فناوری اطلاعات

۳- اسناد و گواهی های صلاحیت مورد نیاز:

۳-۱ - مستندات مربوط به عضویت در انجمن صنفی سازندگان UPS

۳-۲ - داشتن نمایندگی از کارخانه سازنده

۳-۳ - گواهی ثبت نام مودیان مالیاتی در نظام مالیات بر ارزش افزوده در صورت ثبت نام در نظام مالیاتی مذکور

۳-۴ - تصویر اساسنامه شرکت که در دفتر خانه اسناد رسمی و یا اداره ثبت شرکت ها برابر اصل شده باشد.

۳-۵ - تصویر روزنامه رسمی مبنی بر معرفی صاحبان امضاء مجاز قرارداد و اسناد تعهدآور

۳-۶ - نامه ای با امضاء مدیر عامل شرکت پیشنهاد دهنده مبنی بر معرفی نمونه امضاء صاحبان امضاء مجاز قرارداد و اسناد تعهدآور

۴- بهای اسناد ارزیابی: مبلغ ۰/۰۰/۱۵۰ ریال که به شماره حساب سیبا ۰۰۰۰۰۲۷۴۸۲۹۰۰۲ نزد بانک ملی ایران شعبه آرمتا و مبلغ ۹۰۰۰ ریال بابت مالیات و عوارض ارزش افزوده به شماره حساب ۰۰۰۰۲۷۴۸۲۸۰۰۲ بانک صادرات شعبه میدان استقلال به نام مناقصه گزار سازمان فناوری اطلاعات ایران واریز گردد.

۵- محل، زمان و مهلت دریافت و تحویل اسناد ارزیابی کیفی:

محل: اداره خرید و قراردادهای سازمان فناوری اطلاعات ایران به نشانی خیابان شریعتی، نرسیده به پل سیدخندان، ورودی ۲۲، ساختمان مرکزی سازمان فناوری اطلاعات ایران، طبقه دوم، اتاق ۲۰۸

زمان و مهلت دریافت اسناد: از تاریخ انتشار آگهی تا ساعت ۱۴:۳۰ روز چهارشنبه ۹۲/۱۲/۱۴ بااستثناء ایام تعطیل.

زمان تحویل مدارک ارزیابی کیفی: حداکثر تا ساعت ۱۴:۳۰ روز چهارشنبه ۹۲/۱۲/۲۸

(لازم به ذکر است کلیه پیشنهاد دهندگان / شرکت کنندگان می بایست مدارک و مستندات ارائه شده جهت احراز شرایط ارزیابی کیفی را مطابق بندهای شاخصهای ارزیابی به ترتیب تکمیل نموده و به همراه مدارک مندرج در بند ۱۳ آگهی مهیور به مهر شرکت و منقوش به اصل امضاء صاحبان امضاء مجاز شرکت کنند در مناقصه مطابق مفاد مندرج در آخرین روزنامه رسمی برای امضاء اسناد تعهدآور در پاکت ارزیابی کیفی ارائه نماید.)

-جهت دریافت اسناد، ارائه معرفی نامه کتبی و اصل رسید پرداخت وجه الزامی می باشد.

-دریافت اسناد و تحویل مدارک هیچ گونه حقی را برای متقاضیان ایجاد نخواهد کرد.

نکته: شرکت کنندگان پس از دریافت اسناد، می توانند هرگونه سوال و نظر خود را درباره اسناد مزبور به آدرس فوق ارسال نموده و یا به منظور طرح سوالات تدارکاتی با شماره تلفن ۸۸۴۹۸۴۳۰ (خانم تجدد) و سوالات فنی با شماره تلفن ۸۸۴۹۸۳۹۹ (آقای مصلحی) تماس حاصل نمایند.

نشانی پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات: http://IETS.MPORG.IR

نشانی سایت اینترنتی: WWW.ITS.IR

م/الف ۱۴۸